



محمد خراطزاده آستیم با «لیدوکائین» به سینما بازگشت

محمد خراطزاده، فیلمساز ایرانی، با فیلم جدید لیدوکائین به سینما بازگشت. این هنرمند؛ پس از گذشت ۴ سال تحقیق و پژوهش درباره سینمای مدرن، تازه‌ترین اثر خود را با همراهی هنرمندان تئاتر و تحت تأثیر جنبش دگما نودوپنج جلوی دوربین برده است.

«لیدوکائین» درامی اجتماعی - خانوادگی درباره دختری است که برای پرداخت بدهی برادرش وارد چالش‌هایی پیچیده می‌شود. خراطزاده پیش‌تر فیلم‌هایی چون دم غروب؛ زعفرانیه را ساخته که با بازی نسیم ادبی و نازنین کریمی جوایز بین‌المللی کسب کرد. به گفته سازندگان، اطلاعات تکمیلی و برنامه نمایش جهانی فیلم همزمان با آغاز پخش بین‌المللی آن برای حضور در جشنواره‌ها اعلام خواهد شد.



صباخبر



معرفی داوران بخش «جایزه دانشگاهیان» جشنواره فیلم فجر

مهدی باصولی، یوسف اسکندری، سعید میرواحدی، علیرضا مرتضوی و امین مختاری به عنوان داوران بخش «تجلی اراده ملی» چهل و چهارمین جشنواره فیلم فجر، آثار این دوره را از منظر دانشگاهی و دانشجویی ارزیابی می‌کنند. این بخش که توسط واحد هنر جهاد دانشگاهی برگزار می‌شود، با هدف تقویت پیوند میان دانشگاه، دغدغه‌های دانشجویان و سینمای ملی ایران، جایزه بهترین فیلم را اهدا می‌کند. داوران با تمرکز بر بازتابی فضای دانشگاهی، مسائل دانشجویان، پژوهش در فیلمنامه و عمق بخشی به موضوعات ملی و تاریخی، فیلم‌ها را بررسی خواهند کرد. آیین پایانی بخش «تجلی اراده ملی» روز پنجشنبه هفتم اسفند ماه ۱۴۰۴ در موزه سینمای ایران برگزار می‌شود.



ایرنا



واکنش مسلم آقاچان زاده تهیه‌کننده؛ به اتفاق اخیر در دانشگاه

وقتی پرچم می‌سوزد یعنی روایت شکست خورده است

وقتی نمادها می‌سوزند، پیش از آن که پارچه‌ای در آتش خاکستر شود، باید به روایت‌هایی اندیشید که پیش‌تر در ذهن‌ها فرو ریخته‌اند. صحنه آتش‌زدن پرچم را نمی‌توان به کنشی مقطعی یا واکنشی احساسی تقلیل داد؛ این رخداد، بازتاب شکافی است که طی سال‌ها در ساختار ارتباطی و رسانه‌ای کشور شکل گرفته است. از دست رفتن مرجعیت خبری، تضعیف اعتماد عمومی و فاصله گرفتن روایت رسمی از تجربه زیسته مردم، اکنون خود را در قالب رفتارهایی نمادین و رادیکال نشان می‌دهد. این اتفاق، بیش از آن که درباره یک نماد باشد، درباره ذهن نسلی است که احساس می‌کند صدایش در روایت رسمی بازتاب نمی‌یابد. به همین منظور در ادامه یادداشتی از مسلم آقاچان زاده که در اختیار صبا گذاشته است را می‌خوانیم: دیدن صحنه آتش‌زدن پرچم در دانشگاه فقط یک تصویر تلخ نیست؛ نشانه یک شکست عمیق در میدان روایت است.

این اتفاق را نباید صرفاً به هیجان چند دانشجوی تقلیل داد. این نشانه یک فاصله است؛ فاصله‌ای که سال‌هاست در حال شکل گرفتن است. ما مرجعیت رسانه‌ای را از دست داده‌ایم. نه فقط در میان نسل جوان؛ در میان بخش قابل توجهی از توده مردم. رسانه رسمی دیگر برای بسیاری منبع اول خبر نیست.

وقتی جامعه برای فهم اتفاقات ابتدا به شبکه‌های غیررسمی و بیرونی مراجعه می‌کند و بعد اگر مراجعه کند سراغ روایت داخلی می‌آید یعنی نظم ارتباطی کشور دچار اختلال شده است. مشکل فقط محتوا نیست مشکل اعتماد است.

وقتی روایت دیر می‌رسد، ناقص می‌رسد یا با تجربه زیسته مردم همخوان نیست، ذهن مخاطب آن را پس می‌زند.



صباخبر

در این خلأ انسان‌رسانه‌ها میدان را گرفته‌اند. هر گویی یک تریبون است و هر تصویر می‌تواند افکار عمومی بسازد. در چنین شرایطی طبیعی است که رفتارهای رادیکال بیشتر دیده شود.

نه به این دلیل که جامعه ذاتاً رادیکال شده بلکه چون کانال ارتباطی سالم تضعیف شده است. واقعیت تلخ این است که بخش قابل توجهی از سرمایه اجتماعی فرسوده شده است. سرمایه اجتماعی با دستور باز نمی‌گردد. با صداقت مستمر ساخته می‌شود و با بی‌اعتمادی تدریجی از بین می‌رود. اگر این روند ادامه یابد بازسازی آن سال‌ها زمان خواهد برد و هزینه‌هایش صرفاً رسانه‌ای نخواهد بود.

سوختن پرچم زنگ خطر است. هشدار درباره شکاف روایت و بحران مرجعیت. اگر این هشدار جدی گرفته نشود هر بحران اقتصادی یا اجتماعی می‌تواند به سرعت به بحران هویتی تبدیل شود و در بحران هویتی نمادها اولین هدف‌اند. ما نیازمند بازسازی فوری نظام ارتباط جمعی هستیم.

بازسازی‌ای مبتنی بر سرعت در اطلاع‌رسانی، صداقت در پذیرش خطا و فهم زبان نسل امروز. بدون این بازآرایی هر اقدام مقطعی اثر کوتاه‌مدت خواهد داشت زیرا ریشه مسئله در اعتماد و روایت است. مسئله امروز فقط یک پرچم نیست. مسئله ذهن نسلی است که احساس می‌کند روایت رسمی او را نمایندگی نمی‌کند. اگر این احساس اصلاح نشود فاصله بیشتر می‌شود و هر حادثه‌ای می‌تواند به جرقه‌ای تازه بدل شود. این زنگ خطر را باید جدی گرفت. برای حفظ انسجام ملی و جلوگیری از فرسایش بیشتر سرمایه اجتماعی.

